شاه عبد العزیز دهلوی و ثانیاً از قاضی ثناء الله نقشبندی
مجددی پانی پتی که در اعمال حزب البحر عامل کامل بودند و از
عرصهٔ سی سال وظیفهٔ خویش ساخته بودند و ایشان یعنی
قاضی صاحب موصوف اخذ کرده‌اند از مظهر فیوض الٰهی و مطرح
انوار نامتناهی حضرت شمس الدین حبیب الله حضرت مظهر مرزا جانجانان
رحمة الله ظلال ارشاده علی رؤس الطالبین و ادام برکاته الی
یوم الدین پس باید دانست که این حزب در اصل منسوب است
بشیخ عظیم القدر ابو الحسن شاذلی و باید دانست که این
کنیت ایشانست و نام شان علی بن عبد الله است و وفات
شان در سال ششصد و پنجاه و شش است قبر شان در
ملک عرب در صحرا بدانکه ثقات نقل کرده‌اند که شیخ ابو الحسن
شاذلی در جبال قاهره بود ایام حج نزدیک رسیده بود در التحالیت
یاران خود را فرمود که از جانب غیب اشاره رفته است تا آنکه

امسال حج گذاریم مرکبی طلب کنید یاران هر چند طلب کردند
نیافتند الا مرکب پیری نصرانی بهمان مرکب سوار شدند
چون بادبان بر داشتند و از معاملات قاهره گذشتند
باد مخالف وزیدن گرفت و یک جمعه نزدیک قاهره بودیکه
جبال قاهره بنظر می آمد توقف افتاد منکران زبان طعن کشادند
که شیخ میگوید مرا اشاره حج شده است و وقت نزدیک رسیده
و ما اینجا در باد مخالف افتاده ایم شیخ بشنیدن این کلام در قلق شد
اتفاقاً در قیلوله دید که باین دعا ملهم گشت چون بیدار شد
این دعا خواندن گرفت و ناخدای مرکب را فرمود بحمل برکت الله
تعالی بادبان بر دار گفت اگر بر دارم (ای ناخدا ۱۲) همین ساعت بادبان
مرکب را بقاهره باز رساند شیخ فرمود بردار و عجیب صنع
الهی را تماشا کن آخر کار بادبان بر داشت پس باد موافق
بقوی شروع شد که رسن کشتی را هیچ نتوانستند کشاد

بنگر که ببینند و بهشت تمام مهیاست و بپرند قصد مبارک
رسیدند بسیار از نصرانی مسلمان شدند و آن پیر نصرانی شبانگاه
بخواب دید که شیخ با جماعت خلیفه بهشت سیر و بسیار از
همراه او سیر میکند خواست که در پی آنها رود و ملائکه منع کردند که تو
اهل این نیستی صبح آن نصرانی هم مسلمان شد و رفته رفته صاحب
مقامات عالی گشت و اهل آن ناحیه با و نصرت میجستند انتهی
در شهور سنه یکهزار و هشتاد و هشت هجری فقیر را مواضع
از مصنفات حضرت شیخ ولی الله قدس الله سره
که شرح حزب البحر تصنیف فرموده اند بنظر در آمد شیخ
اسناد اجازت خود بسی عالی و صحیح نوشته است ـ

حَيْثُ قَالَ شَافَهَنِي بِإِجَازَةِ حِزْبِ الْبَحْرِ شَيْخُنَا
اَبُو طَاهِرٍ مُحَمَّدُ بْنُ اِبْرَاهِيْمَ الْكُرْدِيُّ الْمَدَنِيُّ
قَالَ قَرَأْتُ حِزْبَ الْبَحْرِ عَلَى الشَّيْخِ اَحْمَدَ النَّخْلِيِّ

وَاَجَازَنِي بِهِ حَقَّ رِوَايَتِهِ وَاِجَازَتِهِ عَلَى شَيْخِهِ
الشَّيْخِ عِيسَى الْمَغْرِبِي وَهُوَ اَخَذَ عَنْ اَبِي الصَّالِحِ
عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْاَنْصَارِيِّ عَنْ اَبِي الْعَبَّاسِ
اَحْمَدَ الْمَقْرِيِّ عَنْ عَمِّهِ سَعِيدِ بْنِ اَحْمَدَ الْمَقْرِيِّ
عَنْ اَبِي عَبْدِ اللهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَلِيلِ التَّنَسِيِّ
عَنْ اَبِيهِ عَنْ اَبِي الْفَضْلِ مُحَمَّدِ بْنِ اَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ
مَرْزُوقٍ الْحَفِيدِ عَنْ اَبِي الطَّيِّبِ بْنِ عِلْوَانَ
التُّونُسِيِّ عَنْ اَبِي الْحَسَنِ مُحَمَّدِ بْنِ اَحْمَدَ الْبَطَرْنِيِّ عَنْ اَبِيهِ
اَبِي الْعَزَائِمِ مَاضِي بْنِ سُلْطَانَ خَادِمِ الشَّيْخِ
اَبِي الْحَسَنِ الشَّاذِلِيِّ عَنِ الشَّيْخِ اَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ
ابْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ الشَّاذِلِيِّ وَاَيْضًا
اَخَذَ الشَّيْخُ اَحْمَدُ النَّخْلِيُّ عَنِ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ الْبَاهِلِيِّ
عَنِ الشَّيْخِ سَالِمِ السَّنْهُورِيِّ عَنِ النَّجْمِ الْغَيْطِيِّ

عن شيخ الإسلام زكريا عن العز عبد الرحيم
ابن الفرات عن التاج عبد الوهاب بن علي السبكي
عن والده التقي علي بن عبد الكافي السبكي عن الشيخ ابن
عطاء الله عن الإمام الشيخ أحمد بن عمر المرسي عن الشيخ أبي الحسن
الشيخ علي الشاذلي ونیز حضرت شاه ولی الله قدس سره
نوشته است که فقیر را در حزب البحر اسنادی دیگر هست
سوای این اسناد که قائم کردند این فقیر را در منام شیخ ابو الحسن
شاذلی و تجلی که قبلهٔ همت شیخ بود متوجه ساختند و به نسبت
شیخ متلبس کردند و بمزاج او برآوردند و حزب البحر را بمنزله
کنز ساختند برای مشاهدهٔ صنع الٰهی شعر تلقیته منی
و منی اخذته ٭ و نفسی کانت فی عطاء ممدتی
پس بیکدفعه علوم بسیاری از آن کوه مشهود گشته و در وقت
تحریر هر چه محفوظ ماند نوشت غرضکه شیخ قدس سره

در جوامع علوم بسیار که بروی نازل شده بود در فواید بسیار
بقید قلم کرد ولیکن چون تمام آن علوم در خور فهم و استماع عامه
مومنان نبود و اکثری در خور فهم بود و غرضی معتد به هر یک
بدان تعلق نداشته لهذا این فقیر از ان کتاب فوایدی
که بهر خاص و عام نفع رساند التقاط نموده درین اوراق نوشته
و هر که خواهد که بر تمامه آن علوم و معارف اطلاع حاصل کند
به جوامع حضرت شیخ قدس سره رجوع نماید والمسئول
من الله التوفیق فائده شیخ در جامع عاشره از مقدمه نوشته
که معنی دعوت ملکیه آنست که دواعی متشبه شوند بملائکه سفلی که
درمیان آسمان و زمین تصرف میکنند و داعیه مراد بخاطر گیرد
بوجهیکه مناسب است بدواعی ملکیه بوجهیکه مناسب است
بدواعی بهائم و داعیه ملکیه را تقویت کند بتلاوت اسما و آیات
که بطریق تغول دلالت کند بر نفث آن داعیه بالجمله آنچه

در شریعت امر کرده اند بروز جمعه از غسل و لبس ثیاب حسن
و استعمال طیب و تبکیر سحرگه شب ایست از استکانت و استغفار
و دعا و مشغول بودن و نماز نفل گذاردن و غیر جمعه با جماعت
خطبه گذاردن از تعجیل تشبه بملائکه است و نیز نوشته
که این تغییر اسما هم شده که در وقت اول طلوع صبح صادق
تا اسفار مقابل صبح نشستن و چشم را با آن دوختن
و یا نفی و اثبات تا هزار بار گفتن کیفیت تکبیر اقوت سیر و اعادت
نفس امی شاند و تبری از فضول ثلاثه و اختیار اغذیه لطیفه
بول و براز و شهوت
سبک تر سیر و چاره از احادیث نفس دور بودن و خطره جماع
در خاطر نگذرانیدن تشبه بملائکه را پرورش سیر و از اوقات
اجابت نصف لیل و وقت طلوع صبح تا بر آمدن آفتاب
و وقت زوال شمس و وقت غروب و اوتار عشره اخیره رمضان
و ساعت محموده جمعه و لیلة البراة و شب عرفه اختیار کردن

وبعضی اهل دعوت اوقات مجربه را اعتبار کرده اند و مختار
همان است که اول گفتیم و از هیئات تمام خوش منزه و دخان
شمرده ما ذکر کردیم بسعادت مشتری مناسب است و حب
نباتی بسعادت زهره قریب است و خاک مقبره های قدیم
و بیه طیور وحشی مثل کرکس بزحل نزدیک و خون غدد و جلود
سباع و لحم فحول بهائم بمریخ متواخی فائده شیخ صباح
حادی عشر از مقدمه نوشته که بعض خواص حزب البحر این فقیر
بنور توفیق دریافته و بیان طریق استعمال آن بر وجه کلی
حکم حزب البحر را اکثر اعمال تصریفیه جاریست اما طریقه اخص آنست
که بشناسد فقره که مناسب حاجت اوست بعد از ان تقویت
کند بتأثیر آن فقره و تصور مراد خود در ضمن تلاوت آن فقره و هر بار که آن فقره
بخواند همان صورت در خاطر گذراند و بتکرار آن فقره تکرار آن کلمه
کند هفتاد بار یا هفت بار یا سه بار و هر قدر که نفس او منشرح شود

وآیتی یا اسمی که مناسب اوست همراه او تلاوت کند وذکر کند
تلاوت آن آیت یا اسم را ابجد از آن حرف را بآخر رساند
و باکی نیست اگر ببعض مواضع تنبیه کنم بس بینی تا دیگرها
معین است به تقدیر فهم و مصمم تأثیر از وساوس و هواجس
و تحصین نسألک العصمة همین فوائد دارد و لقد حق
القول الی ظلما حجاب است از عیون ظالم و تحصین
بسم الله بابنا تا محفوظ و ایضا لقد حق القول برای
اسکات اعدا و اضرار ایشان مفید است و تحصین و اطمس
الی یرجعون و تسخیر ملوک و امرا و غلبه و رعب و گشاد کار
بسته که تدبیر آن بنظر نمی آید و مرض صعب که علاج آن میسر
نشود لنه فتیتنا الی ملکوت کل شیء و طلب
نفقة الغیب و طلب کشف امر آینده و طلب انواع کرامت
مثل شرافت به خواطر و مشی علی الماء و غیر آن در شب لمتا

الی قدیر و آیتی که مناسب نفقة الغیب است اللهم
ربنا انزل علینا مائدة من السماء الآیه برای بر آمدن
حاجات و کفایت مهمات در اللهم یسر لنا امورنا الخ
و تالیف زوجین متنافرین و متباعدین در مرج البحرین
یلتقیان و اگر کسی مغلوب حال باشد که حفظ آداب شرع
با شغل متعسر شود همین آیت را اکثار کند و برای گریختن و جعلنا
من بین ایدیهم سدا الی یبصرون و اسکات اهل صوت
در لفظ حم عسق لا ینصرون و حرز از آفات و زندان و
ظالمان در بسم الله بابنا و برای دفع چشم زخم و سحر
و همت اهل همم در سر العرش و طلب علم لدنیه در
حم تنزیل الکتب و دفع سموم و اوجاع در بسم الله
الذی لا یضر و الخ دفع سرقت و حصول سیر جدید و دفع فقر
و افلاس در لا حول ولا قوة و برای معموری باغ و خانه

و هرچه ازین قبیل باشد و انتهی تا لیکن و دشمن را بنوشت
و برای حفظ امتعه و اقمشه فَاللّٰهُ خَيْرٌ حَافِظًا انشا
کند و نفقة الغیب الیه و سازد وَلِيِّيَ اللّٰهُ جوید و در موضع
سخن و نخوان حَسْبِيَ اللّٰهُ کافی است برای خرابی دیار اهل فسق یک مشت
تدبیر خاک بگیرد و شصت بار بخواند و بر یک جانب بنویسد
شَاهَتِ الْوُجُوهُ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ
خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا و بر جانب دیگر بنویسد وَلَوْ نَشَاءُ
لَمَسَخْنَا الی یَرْجِعُونَ و در آن خانه اندازد و برای
هزیمت اعدا همین آیت را اینجا و جانب دیگر بنویسد و بر عضو
الیها بکشاید و همچنین ثمن النصر برای هیبت در قلوب عجیبت
حٰمٓ حٰمٓ طسٓ لَا يُنْصَرُونَ و در بهترین ساعتی نوشته
بر عضد خود بندد و برای درد زه هفت بار و جهت آسان کر
دن بعد از آن اِذَا السَّمَآءُ انْشَقَّتْ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا

وَحُقَّتْ وَاِذَا الْاَرْضُ مُدَّتْ وَاَلْقَتْ مَا فِیْهَا
وَتَخَلَّتْ سه بار خواند و بران زن دم کند و بآسانی جنین بزاید
وہب لنا وغیرہ بار یا قوی الغرض این بحث بغایت طویل الذیل
است کلام جزئی و آن موقوف بر ذہن سامع میگذاریم
و نیز شیخ قدس سرہ نوشتہ کہ من تعجب میکنم از کسیکہ در اول
و آخر حزب البحر اعتصام و اختتام میخواند و از جہت کسر قوت
بعض حروف جلالیہ ادعیہ جمالیہ میخواند نمیداند کہ شیخ از جہت
اتباع حلم خود ہمہ این مراتب را خود رعایت کردہ است
ابتدا میکند از یا علی یا عظیم و اختتام می نماید بر
حَسْبِیَ اللّٰہُ وَ بِسْمِ اللّٰہِ الَّذِیْ لَا یَضُرُّ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّۃَ اِلَّا بِاللّٰہِ و در جنب ہر کلمہ جلالی دو چند آن کلمہ
جمالی می آرد **اقول** لیکن این فقیر را از طریقہ حضرت
قاضی منا را مدظلہ ما دامہ اعتصام و اختتام ہم رسیدہ است

و خواندن این کلمات قرآنی و ذکر دوازده مشابه که نوشته میشود
جهت دفع دشمن مجرب است قوله تعالی اذا جاءک الذین یقولون
الیها انا من المتقین وقوله تعالی ثم انزل علیکم من
بعد الغم امنة نعاسا وقوله تعالی محمد رسول الله
والذین معه اشداء ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز
س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن
و ه ی یا رب سهل و یسر و لا تعسر علینا یا رب
بسم الله الرحمن الرحیم یا علی یا عظیم یا حلیم
یا علیم انت ربی و علمک حسبی فنعم الرب
ربی و نعم الحسب حسبی تنصر من تشاء و
انت العزیز الرحیم فائده این کلمه علمک حسبی و
کفایت که حضرت خلیل الله علیه السلام گفته وقت القاء
نمرود لعین بود آن در آتش جبرئیل علیه السلام گفت که حسبی

دعای حفظ از بلا

عن سؤالی علمه بحالی ترجمه ای بلند مرتبه ای بزرگ قدر -
ای برد بار ای دانای اسرار تو پروردگار منی و علم تو
باحوال من کفایت کننده است پس نیک پروردگار است
پروردگار من و نیک کفایت کننده است کفایت کننده من
نصرت میدهی هر کرا میخواهی و تو غالب مهربانی فائده اگر بادشاهی
یا رئیسی خواهد که رعیت با او موافقت کنند و مخالفت نشوند -
و با او محبت کنند و بر وفق شرع و عقل کارها بظهور آید و نیز
کارهای او را از غیب بسازد باید که برین فقره مواظبت کند
نَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ فِي الْحَرَكَاتِ وَالسَّكَنَاتِ وَالْكَلِمَاتِ
وَالْإِرَادَاتِ وَالْخَطَرَاتِ مِنَ الظُّنُونِ وَالشُّكُوكِ
وَالْأَوْهَامِ السَّاتِرَةِ لِلْقُلُوبِ عَنْ مُطَالَعَةِ الْغُيُوبِ
ترجمه میطلبم از تو نگاهداشتن نفوس خود در جمیع حرکات
و سکنات که از جوارح ما پیدا شود و از جمیع

ستمنا کرا از زبان ابا آید و در جمیع داعیہ او خطرہ پاک دضمیرا
حادث گردد از مزاحمت اعتقادات فاسدہ و از مزاحمت
ترددات داو بام کرمی پوشید و ما را باز داشت آثار از دیدن
علوم غیبیہ و تدبیر با حکمت کہ در غیب مستقر است و عوام آنرا
نمی بینند و نمی دانند فائدہ شخصی کہ از حال نیک بحال بد
افتادہ باشد مثل تجدید و فسق و لهو یا حزنی و غمی وار و یافتہ
نفس او را پراگندہ دل کردہ باشد این فقرہ بغایت مناسب است
اکثار تلاوت این فقرہ او را ازین بلاہا خلاص کند فقد
ابتلی المؤمنون و زلزلوا زلزالا شدیدا و
اذ یقول المنافقون و الذین فی قلوبہم
مرض ما وعدنا اللہ و رسولہ الا غرورا
ترجمہ باین سبب سوال عصمت میکنیم کہ ہر آئینہ امتحان
عظیم پیش آمدہ است مسلمانان را و جنبانیدہ شدہ اند

فائدہ از فسق و لهو

جنبانیدن سخت وسوال عصمت میکنید در انوقت که میگوید
منافقان و آنانکه در دلهای ایشان بیماریست وعده نداده بود
ما را خدا و رسول او مگر زیب دادن فائده وفا در فقیه کبرای
سبب است وقوع مردم در بلا وتشدید آن بلا سبب
سوال عصمت میتواند شد لهذا شیخ سجاوندی هنالک در قرآن
بود که یعنی فقط آورده و عطف داد بر معنی کلام متقدم است
چراکه وقت ابتلای مومنان وانکار کافران وقت است
مرسوال عصمت را وازده که موضوع است برای وقت
سجاوندی سبب ذکر کرده میشود فائده نزول این آیة
در قصه احزاب بود که کفار محاصره کردند وپیغمبر علیه السلام
بخندق متحصن گشت ورسد منقطع شد ومنافقان
زبان طعن کشادند بنصرت الهی ورسید ریحی که موجب
تشویش حال کافران وتقویت مومنان بود وزیدن گرفت

دفع خطرات

وآن مصیبت دفع شود شیخ بتبرک بآیه کرد وحسبنا الله
بالنبی تبدیل حال خود بحال آنحضرت امید دارد گشت
فائده و شخصی را که حزن دل وپراگندگی خاطر یا حدیث نفس
و هجوم خطرات باشد این فقره را با فقره نشرح لک بخواند
و اکثار کند دفع شود و اگر شخصی یا رئیسی را که دوستان او را
یا دشمنان او را در شأن او گفتگو شود برای دفع این خلل
این فقره را با فقره فثبتنا وانصرنا وسخر لنا هذا البحر بخواند و
مبالغه کند در خواندن و وقت تلفظ ثبتنا تشدیدا صورت
دوستان و مقالات ایشان یاد کند و اشاره رد و ابطال
بدست نماید و وقت تلفظ واذ یقول المنافقون تا غرورا
صورت دشمنان و مجادلات آنها مستحضر سازد و اشاره رد و
ابطال کند فَثَبِّتْنَا وَانْصُرْنَا وَسَخِّرْ لَنَا هٰذَا الْبَحْرَ كَمَا
سَخَّرْتَ الْبَحْرَ لِمُوسٰى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَخَّرْتَ

النار لابراهیم علیه السلام و سخرت الجبال
والحدید لداؤد علیه السلام و سخرت الریح
والشیاطین والجن لسلیمان علیه السلام
و سخرت البراق والثقلین لسیدنا محمد علیه الصلوٰة
والسلام و سخر لنا کل شئ مولک فی الارض
والسماء فی الملک والملکوت و سخر الدنیا
و سخر الاخرة و سخر لنا کل شئ یا من بیده
ملکوت کل شئ حسبی پس یا کبر جادر ساده و سخر گردان برای ما این دریا
چنانچه سخر ساختی دریا را برای موسیٰ و سخر ساختی آتش برای ابراہیم
و سخر ساختی کوہہا و آہن را برای داؤد و سخر ساختی باد و دیوان و
پریان را برای سلیمان علیہ السلام و سخر ساختی براق و جن و انس را برای
سردار ما محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و سخر گردان برای ما
ہر دریا کہ بملک تست و در تصرف تست در زمین

و آسمان و دریا عالم ملک و عالم ملکوت و دریای دنیا را
و دریای آخرت برای او مسخر گردان برآ با هر چیز برای تو که
بدست قدرت اوست فرمان روای همه چیز فائده
بر غیب سبب بعد الهام قصه دریا بود آنها جائز است که مراد
از بحر نشاة کلیه که مشتمل بر افراد مختلف الآثار باشد یا کاری
که موقوف بر افعال بسیار باشد اراده کنند لهذا در آخر
لفظ کل بحر و بحر الدنیا و بحر الآخرة آورده فائده داعی را
باید که وقت تلفظ سخر لنا هذا البحر همان مراد را بخاطر گذارد
مرض باشد یا کار بسته یا حرب بین القومین و تعین حرب
و وقتیکه اطبا از معالجه مرض در مانند و وقتیکه چنان کار
بسته شود که تدبیر آن نیابد از کثرت تلاوت این فقره
لطیفه غیبی پیش آید که فتح بر اعدا و کشادگی کار میسر شود
فائده تسخیر بحر الدنیا عبارت از آنست که تمتع دنیا از هم

فـ
فتح بر اعدا [illegible]
بعض [illegible]

مثل اعلیٰ اثر پذیرد تا سعادت دنیویہ مثل کثرت اموال
و اولاد و اتباع و اصحاب و طول عمر و انس خاطر و اطمینان نفس
و تیسیر امور معاشی بوجود آید و تسخیر بحر الآخرۃ عبارت
از آن است کہ عبادات این شخص علی وجہ التمام در صحیفہ
اعمال او ثبت شود و مجعلی آن ناقص نسازد و در حریم علیین
از علیین در صورت این عمل در آید و آنرا ممنوع و بندے الرحمٰن

يَرْحَمُنَا كَمَا يَرْحَمُ أَحَدُكُمْ فَإِنَّهُ كَمَا يَبْعَضُ سه أُنْصُرْنَا فَإِنَّكَ
خَيْرُ النَّاصِرِيْنَ ۝ وَافْتَحْ لَنَا فَإِنَّكَ خَيْرُ الْفَاتِحِيْنَ ۝
وَاغْفِرْ لَنَا فَإِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِيْنَ ۝ وَارْحَمْنَا فَإِنَّكَ
خَيْرُ الرَّاحِمِيْنَ ۝ وَارْزُقْنَا فَإِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِقِيْنَ ۝
وَاحْفَظْنَا فَإِنَّكَ خَيْرُ الْحَافِظِيْنَ ۝ وَاهْدِنَا
وَنَجِّنَا مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ۝ ترجمہ یاری دہ ما را زیرا کہ
تو بہترین یاری دہندگانی و بگشای کارہای بستۂ ما زیرا کہ

بهترین کشایندگانی و بیا فرما را زیرا که تو بهترین آمرزندگانی
و مهربانی کن بر ما زیرا که تو بهترین مهربانانی و روزی ده ما را
زیرا که تو بهترین روزی دهندگانی و نگاه دار ما را زیرا که
تو بهترین نگاهبانانی و راه نما ما را و خلاص کن ما را از دست
ستمگاران فائده در باب حسن نبات اشجار و زروع
و تکثیر باید کرد و بر لوح خشب بخط جلی باید نوشت
و در اعلی مواضع از باغ و کشت می باید گذاشت و برای
ثمر درخت معین بر برگ آن بعصاره ثمر آن باید نوشت
و برای جمال و قبول و فرح شخص بمشک و گلاب بر کاغذ
نوشته بر سر او باید بست و اگر زن باشد بهمین صفت مخمس
باید نوشت از انفس تا ارزقنا ق هب لنا من لدنك
ريحا طيبة كما هي في علمك و انشرها علينا من
خزائن رحمتك و احملنا بها حمل الكرامة مع

فائده [illegible]

السلامة والعافية في الدين والدنيا والآخرة
إنك على كل شيء قدير ترجمه و ببخش برای ما از نزد
یک خود یادی خوش بهشتی که در علم تست و پراگنده
ساز آنرا از خزینه های رحمت خود و بده و دار مارا با آن یاد
خوش بر داشتنی که سبب بزرگی باشد با سلامت و عافیت
در دین و دنیا و آخرت هرآئینه تو بر هر چیز توانائی فائده
هرچند سبب انشاء این دعا میخواهد که مراد از ریح همین باد
متعارف باشد اما ممکن است که بحسب باطن و جا مراد
باشد از آن تائید عالم غیب و سرایت الهامات ملاء اعلی و جای عالم
شهادت بجهت رفع این شخص در خاطر او یا در خاطر دیگران
برای او و در آمدن قوت مثال در عالم شهادت و برکات
عالم روح و نسمه مثال یعنی بوی لطیف تا علوم اشراف برخواطر و اشراف
بر قبول گشت و واقعات آینده منحل گردد و تعبیه اعمال شاقه

از نیست بر خیزد و بنفس خیر محض و بوجود آید استعمال میشود تا
یعنی مستقیماً
قریب است بآنچه قرآن عظیم آمده است که تعبیر تحکم
ای بشر گرد معرفت هر چه سبب او عاشر باشد وقتی حق
می آید که دارد تعبیر میکنند چون این سیر از یک
خزانه غیب است گاهی از خزانه علم باشد مثل اشراف کشف
و گاهی از خزانه قدرت چون فتح خیبر تا باب او و گاهی از
خزانه قوت چون نفثة الغیب و گاهی از خزانه سعادت
کوکب باشد در آن ساعت و گاهی از خزانه ادراج قوت
مثال و شهادت مثل مشی علی الماء و گاهی خزانه تجرد ارواح
مثل بهشتها شگرفت و تجلیات معنوی که اکابر اولیا را میشد
لهذا الصفیه جمع آورده که خزائن حق تنگ گشته فایده این فقره
هذا الصحیح آنست که نسبت با اکثر از آن لطیفه عینی حق آید که سبب
نعمت تعبیر ابتدا و انتها الیه آن قبضه و شیء بیهما گردد یا گرفته اسب

از آزادی و نصرت بر اعدا نفقه غیر

مطلوب باشد چهارده بار یا وهاب بخواند و سه بار دعای
حضرت عیسی علیه السلام اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَیْنَا مَآئِدَةً
مِّنَ السَّمَآءِ تَکُوْنُ لَنَا عِیْدًا لِّاَوَّلِنَا وَاٰخِرِنَا وَ
اٰیَةً مِّنْکَ وَارْزُقْنَا وَاَنْتَ خَیْرُ الرّٰزِقِیْنَ خواند
واگر فراست و اشراف مطلوب است چهارده بار
یَا عَلِیْمُ یَا مُبِیْنُ یَا خَبِیْرُ و سه بار وَنُنَزِّلُ
مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَّ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ بخواند
واگر ظهور آثار دعا در حق منظور باشد چهارده بار یَا مُجِیْبُ
خواند بعد ازان سه بار وَیَسْتَجِیْبُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا
وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَیَزِیْدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ وَالْکٰفِرُوْنَ
لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیْدٌ الآیة اَللّٰهُمَّ یَسِّرْ لَنَا اُمُوْرَنَا
مَعَ الرَّاحَةِ لِقُلُوْبِنَا وَاَبْدَانِنَا وَالسَّلَامَةِ
وَالْعَافِیَةِ فِیْ دِیْنِنَا وَدُنْیَانَا وَکُنْ لَنَا صَاحِبًا

فِي سَفَرِنَا وَخَلِيفَةً فِي أَهْلِنَا وَاطْمِسْ عَلَى وُجُوهِ
أَعْدَائِنَا وَامْسَخْهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
الْمُضِيَّ وَلَا الْمَجِيءَ إِلَيْنَا وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا
عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ
وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا
مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ترجمه بار خدایا اهل

گردان برای ما کارهای ما را با راحت در دلهای ما
و ایمان ما و با سلامت و عافیت در دین ما و دنیای ما
و باشی برای ما همنشین در سفر ما و جانشین در اهل خانه ما
و محو صورت فرود آر بر روی دشمنان ما و بگردان
صورت ایشان را یعنی متغیر الاحوال گردان بر جای
ایشان تا نتوانند گذشتن از مقام خود بجانب دیگر و
نه آمدن بجانب ما بعد از آن شیخ تلاوت کرد و آیت ا

ولو نشاء لطمسنا الخ یعنی اگر خواهیم محو گردانیم چشمهای ایشان
پس شتابی طلب کنند راه را پس از کجا ببینند و اگر خواهیم مسخ
گردانیم ایشان را بر جای ایشان پس نتوانند از جای خود گذشتن
و بازگردیدن و این دو آیت دلالت میکنند بر صفتی از صفات حق تعالی
پس تلاوت کردن این دو آیت درین مقام برای آنست که مشاهده
میکنانیدن صفت و فائده این فقره صالح آنست که اعانت از غیب
در مطلوب از حق تعالی آسانی پیدا آید و چون شروع در کار شایسته
از آن ختم یکهزار و یکبار بخواند و اگر در مجلسی از مسائل دینیه
از مسائل جنت واقع شود و خصم عاجز داعی باشد خصم بر
زبانی و دیگری غلبه میکند سه بار شاهت الوجوه علی وجوه الاعداء
کلمه حق بخواند و بجانب خصم نفخ کند انشاء الله خصم مغلوب شود آیت
وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ۝ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ تَنزِيلَ
الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۝ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ۝

لقد حق القول علی اکثرهم فهم لا یؤمنون انا جعلنا فی
اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بین
ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون
ثمانیة العجن وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما

ترجمه قسم بقرآن متضمن حکمت که هر آئینه تو از پیغمبرانی بر راه راستی
قرآن فرود آورده شده از جانب خدای غالب مهربان
تا بترسانی جماعتی را که ترسانیده نشدند پدران ایشان پس
ایشان غافلانند یعنی قریش را بترسانی که در میان ایشان
رسول مبعوث نشده است هر آئینه واجب شده وعده
عذاب بر بیشترین ایشان پس ایشان ایمان نمی آرند هر آئینه
ما ساخته ایم در گردنهای ایشان طوقها پس آن طوقها رسیده است
بزنخدان ایشان پس این جماعت سربالا کنندگان شده ساخته ایم
پیش روی ایشان حجابی و پس روی ایشان حجابی پس کرده

پوشانید دایم ایشان را پس ایشان هیچ نمی‌بینند تا خویش
و بدشکل شدند این روباه رسوا و خوار شدند روباه پیش خدا
زنند و تدبیر عالم کنند و بمطالب نرسیده هر که برداشت
خار را فائده علما تفسیر گفته اند که آیه إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا
وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا تمثیل است
برای یأس ایشان از انتفاع بآیات قرآن عظیم مثل خَتَمَ
اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ و ازین اقوال و اعمال تصریفیه ذهن
انتقال میکند بتصرف قهری حق تعالی بر منکران و مخالفان
و بستن دست و پا و معطل ساختن ایشان از دیدن و آمد و
رفت و سعی در مصالح خویش باین علاقه ازین آیات سلسله
جنبان قهر الهی میشود فائده اگر شخصی بر جنی یا بر کیفیتی
که مانع استقامت نفس باشد مثل خوف و غضب و حقد
و حسد و تشویش [illegible] در امور معاشی مبتلا شود [illegible]

این شش آیت تا نه قلوب و سی روز ورد کند و اگر عاملی یا قاضی
یا شحنگی خواهد کسی در قضای او به شش مستقیم نماید شش این
آیات را در شش خانه نویسد و با خود دارد و بعد هر نماز تلاوت
این آیات را لازم گیرد و اگر شخصی خواهد که از میان اهل
بگریزد و اعدا او را نبینند و متعرض حال او نشوند لقد
حقا لقد ل تا کالمجیب ق ن بخواند و بر سنگریزه دم کند
و بجانب آن نماید یا جانب ایشان اندازد و اگر غلام
کسی گریخته باشد و خواهد که او را مسخر سازد و این آیات را
تلاوت نماید یا نام غلام بر ورقی نویسد و در جایی که او آنجا
شب می ماند یا ویزد و یا در دیگی نهد و سر او را به موم
گیرد و در جاییکه آمد و رفت کسی نباشد یا در مقبره کهنه
دفن کند و اگر شخصی بغیر حق خصومت کند این آیات با
شاهت الوجوه و ما ظلمهم هفت بار بخواند و بجانب او

نفت کند یا بر جامه او نویسد و در مقبره کهنه یا صحرای
غیر معمور دفن نماید یا بر سفال پاره کهنه که از مقبره گرفته باشد
بخواند یا جمله اول آیات تا نمافاون صورت مثالیه آن
به سعادت مشتری مناسبت است و آخر آنها تا ظلام بنحوست
زحل مناسب است در جمیع اعمال مشتری و زحل این فقره را
کار بیتوان فرمود فائده علماء خواص چون اسما و آیات
جلالیه تلاوت میکنند بموزن آن کلمات جمالیه میخوانند
تا نفس داعی پیش از مدعو علیه اثر پذیر نشود لهذا اینجا این آیات
جمالیه با جلالیه جمع کرد طسم طس طسم حم عسق
مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان ترجمه
روان کرد دو دریا در حالتی که با هم ملاقات میکنند درمیان
شان حجاب است یکی بر دیگری تعدی نمیکند فائده
درین آیت ذکر آیتی است بر کمال قدرت الهی و صفت مهربانی

او تعالی فائده واین فقره مصالح آنست که در میان دو جیش
اگر جنگ واقع شود باید و شریک در معامله باید و کسی از
اعوان پادشاه در مانند آن با هم تنازع کنند تسکین این فقره
نماید و جل امر جب تسکین آن فتنه شود حم حم حم
حم حم حم حم حم لا ینصرون حم عسق حمایتنا من
تعلینا لا ینصرون ترجمه گرم کرده شد
واین بیاری حق تعالی پس ما منصور نشوند دشمنان ما
وگرم شدن کار کنایه است از رونق یافتن فائده
در حدیث آمده است که آنحضرت علیه السلام در بعضی
غزوات شعار صحابه ساختند کلمه حم لا ینصرون را و فرمود
که اگر اعدا شبخون زنند باین کلمه متکلم باید شد اینجا چون
شیخ و آنست که حم با غلبه احبا و مغلوبیت اعدا مناسبت
است پس اینجا کلمه را برای صدمه نصرت اعدا و کفایت

از عداوت تکرار میکند هفت بار که این کلمه در قرآن عظیم
در هفت سورت آمده فائده این فقره در اسکات اعدا
و طلب جاه و حشمت پیش امرا موثر است هفت بار
خوانده بجانب آن مردم نفث کند یا بر هفت سنگریزه
دم کرده بجانب ایشان بپاشد بخم تَنْزِيلُ الْكِتٰبِ
مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ
التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ
إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ترجمه فرو فرستادن قرآن
از جانب خدای غالب و داناست آمرزنده گناه
و پذیرنده توبه سخت عقاب کننده صاحب فراخی
(یعنی کثرت مال و زیادت قدرت) نیست هیچ معبود مگر
وی سوی اوست بازگشت فائده این آیه شریفه
مثل آیة الکرسی جامع صفات الهیه که موثر است در کفایت

مہمات و حفظ از مکروہات نیز اگر در ین آیۃ یازدہ اسم
از اسمای حق پوشیدہ مانند هُوَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ مُنْزِل
الْكِتَابِ غَافِرِ الذَّنْبِ قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيْدِ
الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيْرُ۝
فائدہ اکثار تلاوت این آیت نافع باشد از مکائد شیطان
واز سحر و چشم زخم و مانند آن و وسیلہ باشد برای استمطار
جود الٰہی و کفایت مہمات و توسیع رزق و رفع صیت
و عظمت و جاہ مانند آیۃ الکرسی چنانچہ در حدیث صحیح
آمدہ من قرأ حٰمٓ المؤمن الی الیہ المصیر و آیۃ الکرسی
حین یصبح حفظ بہما حتی یمسی و من قرأہما حین یمسی حفظ
بہما حتی یصبح رواہ الترمذی عن ابی ہریرۃ رضی اللہ عنہ
ثم اللہ بابنا تبارک حیطاننا یٰس سقفنا کھیعص
کفایتنا حمعسق حمایتنا ترجمہ بسم اللہ در وازۂ ماست

وسورهٔ تبارک دیوارهای ماست وسورهٔ یٰسٓ
سقف خانهٔ ماست وکلمهٔ کٓهٰیٰعٓصٓ کفایت مهمات ماست
وکلمهٔ حٰمٓعٓسٓقٓ حمایت ماز از آفات فائده واین فقره
حصاریست بلیغ برای دفع شر مضار محسوس چون شر
دزدان وشیاطین وظالمان وامثال را باید که وقت خواندن
آن صورت احاطهٔ نور قرآن در خیال خود دارد ودو دست
را گرد خود بگرداند یا بعصا خطی کشد گرداگرد خود
واگر پیش ظالمی رود بخواند کٓهٰیٰعٓصٓ ومقارن هر حرفی انگشتی
از دست راست قبض کند وبگوید کفایتنا باز بخواند
حٰمٓعٓسٓقٓ وبا هر حرفی انگشتی از دست چپ قبض نماید
وبگوید حمایتنا بعد از آن چون مقابل آن ظالم رود
هر دو دست بگشاید وبجانب او نفخ زند
فسیکفیکهم الله وهو السمیع

العلیم و ترجمه بی کفایت خواهد کرد ترا خدا تعالی
از شر ایشان و او ست شنوا و دانا فائده نزول این آیت
برای بشارت آنحضرت علیه السلام است بانچه خدا تعالی
با وی سامان خواهد کرد از کفایت شر اعدا و اظهار دین او
فائده این آیت انفع اشیاست و طلب کفایت از
شر اعدا اگر واقعی ذو حظ از زمانه است بطریق صلوة التسبیح
این آیت در چهار رکعت سه صد بار بخواند یا در دو رکعت
در هر رکعت پنجاه بار و اگر ذو حظ از ذکر است یکهزار و یکبار
هر روز ختم بخواند تا هفت روز اگر میسر نشود بعدد
اسم کافی یکصد و یازده بار بخواند ستر العرش
مسبول علینا و عین الله ناظرة الینا
بحول الله لا یقدر علینا والله من ورائهم
محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ

ترجمہ پردۂ عرش فروہشتہ است برما ومراد از پردۂ عرش
خود عرش است وچشم عنایت خدا بینندہ است بسوی ما
بمدد خدا قدرت یافتہ نخواہد شد برما بعد ازان شیخ تلاوت
کردہ کریمہ وَاللّٰہُ مِن وَرَائِہِم مُّحِیطٌ الآیۃ یعنی خدا از جانب
خلف ایشان بایشان احاطہ کنندہ است بلکہ این کتاب
قرآن است باعظمت در لوح محفوظ نوشتہ است
فائدہ اینجا طلب است بصیغۂ خبر بنابر حسن رجا وقبول
فائدہ این فقرہ حصاریست بلیغ برای حفاظت از مضرت
غیر محسوس چون مضرت چشم زخم وسحر وآسیب جن وہر
لشکر بدکہ باشد فَاللّٰہُ خَیْرٌ حَافِظًا وَّہُوَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِیْنَ
ترجمہ پس خدا تعالی بہتر است از روی نگاہبان بودن
واو مہربان ترین مہربانان است فائدہ این کلمہ ایست
کہ این را یعقوب علیہ السلام وقت سپردن بنیامین

برادر حقیقی یوسف علیہ السلام بہ برادران علاتی بعد
گرفتن عہود ظلم کردہ اند بنا بر توکل علی اللہ بعد رعایت
اسباب فائدہ این کلمہ بلفظ بسبب در باب حفظ اگر شخصے
خواہد کہ متاع او از کرم یا از دزدان محفوظ باشد در ظرف
آنرا نگیر کند یا بر کاغذ یا بر سفال پارہ و آنرا در متاع نگاہ دارد
و اگر در راہ خوف قطاع الطریق یا دزدان باشد یا ظالمے
قصد ظلم بروی کند اگر در نماز ملاوت بیشتر دارد و در نماز
بطور صلوٰۃ التسبیح بخواند و اگر در ذکر لذتی دارد یکہزار و یکبار
ختم این کلمہ کند اگر تواند یکہفتہ ہر روز ہمین ختم کند در
بہترین ساعتی مثل نصف شب یا وقت زوال یا بعد عصر
یا پیش از طلوع آفتاب اِنَّ وَلِيِّيَ اللّٰهُ الَّذِي نَزَّلَ
الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصّٰلِحِيْنَ ترجمہ ہر آئینہ
کارساز من خداست آنکہ فرود آوردہ است قرآن را

واد کارسازی میکند نیکو کارا ن فائده این آیت تا ثیر بلیغ
وارد در نفقة الغیب وتحصیل نظام سنی و منزلی دائمی
ملازمت نماز این را بهیأت صلوة التسبیح شبعه بار بخوانند وملازمت
بذکر بعد داسم ولی چهل و شش بار بعد هر نماز بخوانند
حَسْبِيَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ
رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ترجمہ کفایت کننده من خدا ست
نیست هیچ معبود مگر او بر وی توکل کردم واو پروردگار
عرش بزرگ است فائده علیه توکلت خبر ست بمعنی
انشای صفت توکل واعتماد فائده شیخ ابوالحسن در
خواص حسبنا الله ونعم الوکیل رساله نوشته مسمی
بالسر الجلیل فی خواص حسبنا الله ونعم الوکیل در انجا
در خواص این کلمه طریق تمسک بآن کتابة وتلاوة
استقصا نموده وهرچه در حسبنا الله ونعم الوکیل است در حسبی الله

لا اله الا هو الحی است بکمیه بیشتر و موکتر از آن باجمله این کلمه برای
حفظ از مضار و طلب نفحة الغیب و کفایت مهمات و نصرت
بر اعدا کیمیائی ست عجیب التاثیر و ترکیب آن چنان است
هر حاجتی که داشته باشد بشمار عدد و اسم مناسب آن حاجت
آن را بخواند مثلاً برای حفظ از مضار بعدد حفیظ ۹۹۸ بخواند و برای
طلب نفحة الغیب بعدد رزاق ۳۰۸ و برای کفایت مهمات
بعدد کافی ۱۱۱ و برای نصرت بر اعدا بعدد ناصر ۳۴۱ و علی
هذا القیاس باجمله بعدد هر اسمی که مناسب بحاجتی باشد
بآن موثر است بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهٖ شَیْءٌ
فِی الْاَرْضِ وَلَا فِی السَّمَآءِ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ ترجمه
تبرک میگیرم بنام خدائیکه ضرر نمیکند با نام او چیزی از مضار
در زمین و نه در آسمان و اوست شنوا و دانا فائده در این
دعائیست که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده هر که

صبح وشام سه بار آنرا گوید ضرر نرساند ورا چیزی از مضرات
ارضی وسماوی **فایده** مضرات ارضی مثل سباع وهوام
وسموم وسحر ومانند آن ومضرات سماوی مانند نحوست ستارگان
وآسیب جن **فایده** این دعا تاثیر بلیغ دارد در حبس
هر ضار از ضرر مثل سباع وهوام وآب سرد بنسبت مبرود
وآب گرم بنسبت محرور ودوائی وغذائیکه مضر باشد طبعا (بالکسر ۱۲)
یا باعتبار عینی بر ودی یا سردی واوجاع واورام ومانند
آن وشخص بدخو که از وی خوف وحاجت دارد وی باید که (یعنی از دشمنی وعداوت ۱۲)
این دعا سه بار یا هفت بار بخواند وبرآنکه از وی میترسد
دم کند یا بجانب او نفث کند واگر حاضر نباشد صورت او را
در خیال حاضر سازد وبنیت او بکر خواند **فایده** لاحول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم ترجمه طاقت باز داشتن
نیست وتوانائی کار کردن نیست الا بمدد خدای بلند بزرگ

نیز کسی حسبنا قالوا این کلمه تاثیر بلیغ وارد و در دفع سحر

و دفع جن و دیو و عقرب و دعا همی بدو جهت الی است

و هم جهت بیان آنکه اکثر تاثیر بسم الله الذی لا یضر مع اسمه بود

در دفع مضار جسمانی است و غالب تاثیر لا حول و لا قوة الخ

در دفع مضار غیر جسمانی چنانچه همین فرق در بسم الله با

و ستر العرش مسبول علینا نیز ملحوظ و مرعی است بدانکه در

حدیث شریف وارد است لا حول و لا قوة الا بالله کنز

من کنوز الجنة و معنی آن نیز در حدیث آمده لا حول عن

معصیة الله و لا قوة علی طاعة الله الا بالله ای

باعانة الله تنبیه بعد ختم این شرح شیخ ولی الله قدس سره

نوشته است الا نعمه که نوشتم حکایت امر وحید است

بود که نکبت مثل برق درخشنده بود و از آن مجلس هر چه محفوظ

مانده تحریر یافته و هم الاقدری که بخط حدیث و علم دانشمندی

تعلق داشت احتمال باک نیست که بعض طرق دعوت
حزب البحر که بعض مشایخ آنرا در کتب دعوت نوشته اند
حکایت کنیم تا متعلقات حزب البحر را هم احاطه کرده باشیم
فائده جمعی از اهل دعوت گفته اند که هرکه خواهد در حزب البحر
عامل شود اول به نیت ادای نصاب با ترک جلالی و جمالی
و اعتکاف روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد
و هر روز بعد غسل و یکدوگانه یکصد و بیست بار بخواند یا دوازده
روز با یام افزونی نور ماه هر روز سی بار بخواند بهر دو تقدیر
مبلغ عدد به سیصد و شصت میرسد فقیر گوید عفا الله عنه
این عدد را برای آن اختیار کرده اند که درجات شمس
سیصد و شصت است در سه مثلث یا در ضمن دوازده
برج والله اعلم اگر پادشاهی خواهد که او را زیان رساند و یا در
موضعی باشد که درندگان غالب بود هشت بار این حزب را

خواند و بر دست نفث کند و دست بر تمام اعضا فرود
آرد اگر دیگر کاری درمانده باشد باید که در مقام خالی و صفا
بعد غسل دو رکعت نماز بگذارد و بعد از سلام هفتاد یا هفت
بار بخواند و برای محبت دوازده بار یا هفت بار خواند
بر گلاب بدمد چون بیست لنا رسید هفتاد بار بگوید
یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله
و بعد از آن بگوید هذا و بذا محبت فلان بن فلان در دل
فلان بن فلان پدید آر و سه روز بهمین ترتیب بخواند هر گاه
آن شخص مقابل آید و قدری از گلاب بر کف خود مالیده
بر روی خود فرود آرد اگر انتقام از دشمن منظور باشد
تا دوازده روز هر روز سی مرتبه بخواند چون و اطمس علی
وجوه اعدائنا یا شاهت الوجوه برسد هفتاد بار بگوید یا قائم
ذا البطش الشدید الذی لا یطاق انتقامه بعد از آن بگوید

خداوندا فلان ابن فلان را بقهر خود مبتلا گردان و چشم و گوش و زبان او
بسته ساز فقیر گوید یعنی عنه شخصی که دشمنی در دین
داشته باشد برای او شاهت الوجوه مناسب تر است
و شخصی که دشمنی او از جهت امور دنیا باشد والخناس برای او
لائق تر است برای شفای مریض دوازده روز هر روز
دوازده بار بخواند چون بسم الله الذی لایضر بر سه
هفتاد بار بخواند وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
یا شافی شفا بخش فلان را و بجهت تسخیر سلاطین و امراء دوازده
روز دوازده بار بخواند چون بیا من بیده ملکوت
کل شیء بر سه هفتاد بار بخواند یا عزیز بعد از ان بگوید عزیز گردان
مرا در چشم فلان بن فلان پس زبان سه بار انا انزلنه
بخواند بعد اتمام دعوت هر گاه بخانه او رود این حزب را
یکبار بخواند و بجهت ایمنی راه و سلامتی سفر قبل از انکه

مسافر شود سه روز با صوم و شرائط دعوت سیر رود و ۱۲
بار بخواند چون بر لقد یحلل الله لا یعقد علینا برسد
هفتاد بار یا حفیظ احفظنی من جمیع البلیات
یا ارحم الراحمین بخواند بعد ازان در وقت روان
شدن و غیره و آمدن و محل خوف یکبار میخوانده باشد بجهت
سلامتی کشتی پیش از انکه سوار شود سه روز هر روز هفده ۱۷
بار بخواند چون بسم الله مجریها برسد هفتاد بار یا حفیظ
احفظنی من جمیع البلیات یا ارحم الراحمین بخواند و بگوید
خداوندا خود را و مال و اسباب و رفیقان خود را بتو امانت
میسپارم بخیریت بساحل برسان بعد ازان در کشتی هر
پنج وقت نماز این حزب را یکبار در وقت سوار شود اگر طوفان
باید تا آن زمان که طوفان فرو نشیند میخوانده باشد
و بجهت توانگری تا سه روز هر روز بیست بار بخواند چون

بر انت علينا من خزائن رحمتك بسه هفتاد بار
يا غني اغنني و يا رزاق ارزقني رزقا طيبا
واسعا بغير حساب بخواند هر روز هفت دير
رانان و شیرینی بوسع خود بدهد تا ابواب فتوح بروی
کشاده گردد و بجهت ادای قرض تا ۳ روز هر روز
پانزده بار بخواند چون بانصد بار برسد هفتاد بار بگوید
اللهم اكفني بحلالك عن حرامك واغنني
بفضلك عمن سواك وبطاعتك عن معصيتك
و بجهت کشایش بخت دختران بر آب باران یا آب چاه
که شب گشیده باشند تا ۳ روز هر روز بیست بار بخواند چون
هب لنا من لدنك الخ برسد یا فتاح بعدد جمل ۴۸۹ بخواند
بعد از آن با آن آب دست و پای او شسته آب را بسمتی
پاک انداز و که پائی کسی بر وی نرسد و یقال فی وجه

العدو في الحرب حم لا ينصرون وقد
كان رسول الله صلى الله عليه وسلم
يقولها في بعض غزواته ويامر بها اصحابه
وكان شبيب بن مسلمة يستحب اذا لقي
العدو ان يقول لا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم وروي عن النبي صلى الله
عليه وسلم انه قال من قال كل يوم لا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم مائة مرة لم
يصبه فقر ابدا وعن ابي موسى الاشعري
قال له النبي صلى الله عليه وسلم الا ادلك
على كنز من كنوز الجنة قال بلى يا رسول الله
قال لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
١٣ ومما ينفع لوجع الراس ان يضع الحازم

يده على راس الوجيع ويقول بسم الله خير
الاسماء بسم الله رب الارض ورب السماء
بسم الله الذي اسمه بركة وشفاء بسم الله
الذي بيده الشفاء بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ
مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ط
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ويكرر ذلك ثلاث
مرات او سبع مرات وروى عن بعض
الثقات انه قال اذا كنت في سفر فوجدت
الحرب فاقرء سورة اذا زلزلت واضرب
بيدك على الارض وارم بالتراب في وجه
الحرب امسح بيدك على راسك ثم اقرء
وَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا
تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشٰى وجعلنا من بين

ايت بين ايديهم سدًّا ومن خلفهم سدًّا فاغشينا
هُمْ فهم لا يبصرون وحدثه سلف الراوي
ايا نامع كمدة انه وجد الحرب نهارا
ففعل ذلك وقعد تحت شجرة فوصلوا
اليه ولم يروه وقال بعضهم لبعض الساعة
كان ههنا وروي عن بعضهم انه قال
من اراد سفرا واحبَّ السلامة فيه من
كل محذور فليصل ركعتين يقرء في الاولى
الفاتحة وقل يا ايها الكافرون وفي الثاني
الفاتحة وقل هو الله وبعد السلام يقرء سورة
لايلاف ثم ليقل انت الصاحب في السفر
والخليفة في الاهل والمال والولد فاصحبني
في سفري هذا بالسلامة والعافية واخلفني

فی اهلی ومالی وولدی بخیر یا ارحم الراحمین
اقول لو قال اللهم یسر لنا امورنا الی ولا
المجیٔ الینا کان مثل ذلک واذا قال المسجون
او المأسور ما شاء الله کان ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم حسبنا الله
ونعم الوکیل النصرة فی مجلس واحد خلصه
الله تعالی معجلاً قلت لو قال مکان حسبنا
الله نعم الوکیل حسبی الله لا اله الا هو
علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
کان مثل ذلک کریمه فان تولوا فقل
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو
رب العرش العظیم خاصیة هذه الآیة
انها تعطف القلوب المعرضة علی من

اشترضوا عنهم وبغضهم من كيد الكائدين ونحن قرأتها
ليلة الجمعة نصف الليل ثلاثين مرة وقال في
آخر كل مرة اللهم أنت يا رب حتى على
فلان بن فلانة او فلانة بنت فلانة واعطف
قلبه او قلبها علي و ذلله او ذللها لي فان
الله يعطف قلبه عليه بإذن الله وعن بعضهم
قال حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت و
هو رب العرش سبع مرات في المساء يكفيه
الله تعالى ما اهمه صادقا او كاذبا تم
ملخص كتاب الهوامع للشيخ ولي الله
قدس سره وقد كان الشيخ الفه في رعينه في شهر
رمضان سنة الف ومائة وخمس وستين
وقد تم تلخيصه في ذي الحجة سنة الف ومائة

وثمان وثمانين من يد القاضي سنا، الله
قدس سره و ثانيا في سنة اثنين وستين
بعد الالف والمائتين من يد جامع هذا الاوراق
ابي الخير محمد عبد المجيد وفقه الله في
استباق ماعنده باقي الكونين اختتام اين حزب
حسب ارقام حضرت قاضي ثناء الله كه از شيخ خود
مد ظله العالي اخذ كرده ميثويسم وآن اينست يا الله يا نور
يا حق يا مبين اكسني من نورك وعلمني من علمك
وفهمني عنك واسمعني منك وابصرني بك انك
على كل شيء قدير ترجمه اي ذات جمع جميع
صفات كمال اي نور روشن كننده ممكنات اي حق
ثابت بذات خود واي مبين ظاهر كننده جميع ممكنات
از پرده عدم واشياي خفيه در علم به بوستان هر از نور خود

و عالم و خبیر از علم غیب و تحقیق گناه و نیز از تو و شنوا مرا از تو
و بتمام حقائق اشیا تو به راستی که تو بر هر چیز قادری یا سمیع
یا علیم یا حلیم یا علی یا عظیم اسمع دعائی بخصائص
لطفک آمین آمین ترجمه ای شنوا ای دانا
ای بردبار ای بلند مرتبه ای بزرگ بشنو دعای من بخاصه
مهربانی خود قبول کن این دعا را قبول کن قبول کن اعوذ
بکلمات الله التامات کلها من شر ما خلق ترجمه
پناه میجویم بکلمات حق تعالی که تمام و کامل اند بهمه آنها از
بدی آنچه آفریده است فایده شر با خلق شامل است
بر بلا که عذاب و نحوست نجوم و شر آدمیان و شیاطین
و جان و جانوران و سموم نباتات و غیره پس این دعا

جامع آنست که آنچه در بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شی گفته شده انجام جاری باشد یا عظیم السلطان

یا قائم الاحسان یا دائم النعیم یا باسط الرزق
یا واسع العطایا یا دافع البلایا یا حاضراً لیس
بغائب یا موجوداً عند الشدائد یا خفی الالطاف
یا لطیف الصنع یا حلیماً لا یعجل اقض حاجتی
برحمتک یا ارحم الراحمین ترجمہ ای بزرگ
تملیہ ای از قدیم احسان کنندہ ای ہمیشہ نعمت دہندہ
ای فراخ کنندہ روزی ای کشادہ بخشش کنندہ ای
دفع کنندہ بلاہا ای آنکہ حاضر است ہیچگاہ غائب نیست
ای آنکہ موجود است نزد سختیہا ای پوشیدہ مہربانی کنندہ ای
پاکیزہ کار ای بردبار کہ جلدی نمیکند در گرفتن گنہگار برآر حاجت
من بمہربانی خود ای مہربان ترین مہربانان اللّٰہم انی
اعوذ باسمک المخزون المکنون السلام المبارک
القدوس المقدس المطہر الطاہر یا دہر یا دیہور

یا دیان یا ازل یا ابد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن
له کفوا احد یا من لم یزل یا هو یا من
لا اله الا هو یا من لا یعلم ما هو الا هو یا کان یا کینان
یا روح یا کائن قبل کل کون و کائن بعد کل کون و مکون کل کون اهیا اشراهیا
ادونی اصباوت یا جلی عظائم الامور سبحانک
علی حلمک بعد علمک سبحانک علی عفوک
بعد قدرتک ترجمه ای که همیشه باقی ازلی پیش از همه
و ابدی بعد از همه و آنکه نه زائیده است و نه زائیده شده
و نیست او را همجنس و همتا ای کسیکه همیشگی سزاوار اوست ای آنکه همه
مخلوق بوی نو خبر دارند ای آنکه نیست هیچ معبود بجز او ای آنکه
نمیداند کنه او را مگر او ای ثابت و متحقق بذات خود ای آنکه
عالم را شش روح هست قالب برا ای آنکه بود پیش از هر موجود
ای آنکه باشد بعد هر موجود ای آنکه چهار اسم سریانی اند یا عبرانی

ای روشن کنندہ چیزہا ای بزرگ پاکی است مرترا ببرد بار بحق
باوجود دانستن تو پاکی است مرترا بر بخشش تو باوجود توانائی تو
فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو
رب العرش العظیم ترجمه پس اگر روگردانی کنند کفار از تو
پس بگو حسبی الله الخ معنی این گذشته است لیس کمثله
شیء وهو السمیع العلیم ترجمه نیست مانند او چیزی او است
شنوا دانا اللهم صل وسلم وبارک علی سیدنا محمد
وعلی آل سیدنا محمد کما صلیت وسلمت وبارکت و
رحمت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید
ترجمه ای بار خدا یا درود یعنی رحمت وارادہ خیر کن وسلامت
از مکروہات دارین وبرکت در ثواب اعمال و درجات بفرست
بر سیدنا محمد وآل محمد چنانچه درود وسلام ورحمت وبرکت نازل
بر ابراهیم وآل او که انبیا وصلحا باشند فائدہ درود بعد از دعا

سنت دعا است حضرت عمر رضی الله عنه گفته که دعا معلق میانه
میان آسمان زمین و بالا نمیرود تا که درود نفرستی بر پیغمبر خود
و حضرت علی رضی الله عنه فرموده که دعا محجوب است تا که درود
فرستاده شود بر نبی و آل او و باید دانست که این اختتام تمام به
بهتر آمین است دعای حزب البحر را فائده میگویند حضرت عنایت الله
علیه الرحمة والرضوان که چون حضرت پیر دستگیر من سلمه الله تعالی
این فقیر را دعای حزب البحر تعلیم فرمودند فرمودند که هر که این دعا را
۹۹۸
نهصد و نود و هشت بار بخواند داخل اولیاء الله شود و در زمره اولیا
محشور گردد و طریق دعوت و زکوة همین فرمودند که شاه ولی الله
قدس سره نوشته اند مگر آنکه فرمودند بعد غسل جامهٔ نادوخته مثل
محرم پوشد و فرمودند اگر کسی وظیفه خود سازد یکبار بعد فجر و یکبار بعد
عصر همیشه علی الدوام خواند او را احتیاج زکوة نیست و فرمودند که
در خواندن این دعا چون بکلمه اللهم یسر لنا امرنا رسد مطلب خود

ودل حاضر سازد وچون بکلمهٔ والشمس علی وجوه اعدائنا
رسد بپشت چپ اشاره بسوی اعدا کند و کلمهٔ شبّه الشمس بینا
و تنزیل العزیز الرحیم یعنم لایم و خیر حفظاً بصیغهٔ مصدر و در
اعتصام انه من عمل منا شام سوی بکسر الیٰ موافق قرائة شعبه بخواند
و هفت حم بدین طور خواند اول حم بسوی مقابل دوم بسوی
دست راست سوم بدست چپ چهارم بطرف پشت
پنجم بطرف پائین ششم بطرف بالا رو کرده بخواند بعده این دعا
خواند رفعت بامر الله تعالیٰ کل بلاء و قضاء یجیء
من هذه الجهات الست تا من باذن الله تعالیٰ
من جمیع الآفات والعاهات یعنی دور کردم بحکم
خدا تعالیٰ هر بلائی و قضائی را که آید ازین اطراف شش نگاه دارند
این جانیم بحکم خدای برتر از جمیع آفتها و مصیبتها باز بخواند حم معظم
و اشاره کند بآن حد دافع آفتهائی که بدان اینکس میرسند

معنی اعوذ برتبہ ۱۴

بعد ازان بخوانند حم الا فروشا تا م کنند چون بکلمه کهیعص
رسید یک یک انگشت از خنصر تا ابهام بهر حرف قبض کنند چون
کلمه حمعسق خوانند همان قسم بکشایند و کلمه حسبی الله تا العظیم
هفت بار بخوانند و کلمه بسم الله الذی لا یضر تا علیم سه بار خوانند
و در اختتام چون سه بار آمین گویند هر بار دست خود بر زمین زنند
والله اعلم چه حقیقت و ذکر و باشد آن چون حزب البحر چند بار
خوانند اعتصام یکبار خوانند قبل تبیین در آخر اختتام نیز یکبار خوانند

والله اعلم بالصواب و الیه المرجع والمآب

تمت

الحمد لله علی احسانه که مجموعه حزب البحر با ترجمه اردو معه اعتصام و اختتام
و اوراد دیگر ادعیه نافعه و شرح فارسی آن من مؤلفه جناب مولانا الحاج خلیل الدین
ابوالخیر صاحب خیروی و محمد عبد الحمید خان صاحب حسب ہمت افادات باہتمام ابی عظیم محمد عبد الرحمن حسین
بن حاجی محمد روشن خان صاحب بدر و تربیت یافته خدمت مدرسه اعظم محمد مصطفی خان تقویم

در مطبع نظامی واقع شہر کانپور باوائل صفر ۱۲۹۴ھ مطبوع گردید

اطلاع

واضح ہو کہ جو شرح فارسی حزب البحر حاوی فوائد عجیبہ مطالب غریبہ چھپی تھی لہذا بنظر مزید اشاعت اون فوائد کے اوسکو بھی آخر حزب البحر مترجم مین بڑھا دیا تا عموماً جملہ طالبان اردو فہم وشائقان فارسی دان اون فوائد وخواص سے مطلع ہوکر کامیاب ہون اور اپنے اپنے مطالب دلی ومقاصد قلبی پہونچکر اس مہتمم داعی کو دعائے خیر دارین سے یاد فرماوین۔

اشتہار

وما علینا الا البلاغ

فہرست کتاب حزب البحر با ترجمہ اردو

فہرست کتاب شرح فارسی حزب البحر

تتمه بیان فواید حزب البحر

تمت

فضائل سورۂ یٰس

بسم اللہ الرحمن الرحیم

حضرت انسؓ سے روایت ہے کہ کہا فرمایا رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ
وسلم نے ہر چیز کے لیے دل ہے اور دل قرآن کا یٰس ہے اور جسنے پڑھی یٰس
لکھتا ہے اللہ تعالیٰ اوسکے لیے ثواب دس بار قرآن پڑھنے کا اور فرمایا
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے کہ جسنے پڑھی یٰس رات کو واسطے طلب رضائے
اللہ تعالیٰ کے بخشے گا واسطے اوسکے گناہ اوس راتمیں اور فرمایا آنحضرت
صلی اللہ علیہ وسلم نے کہ جو شخص سورۂ یٰس پڑھے ہر رات کو پھر مرے تو مریگا
شہید اور فرمایا آپنے کہ جسنے پڑھی یٰس اول روز میں تو پوری کیجاتی
ہیں سب حاجتیں اوسکی اور ابو قلابہ رضی سے کہ کہا تابعین ہیں میں روایت
کرکہا کہ جو کوئی پڑھی یٰس مغفرت کیجاوے اوسکے لیے اور جو کوئی
پڑھی اسکو اس حال میں کہ وہ بھوکا ہو سیر ہو اور جو کوئی اسکو اس
حال میں پڑھی کہ وہ راہ بھولا ہوا ہو پاوے گا اور جو کوئی پڑھی اسکو

اس حال میں کہ کوئی چیز اوسکی جاتی رہی ہو پالیوے اوسکو اور جو
کوئی پڑھے اسکو وقت کھانے کے کہ ڈرتا ہو قلت اوس سے کفایت
کرے اوسکو اور جو کوئی پڑھے اسکو نزدیک قریب المرگ کے یا میت
حقیقی کے آسانی کیجاوے اوسپر اور جو کوئی پڑھے اسکو نزدیک
عورت کے کہ دشوار ہو بچے کا ہونا اوسپر آسانی کیجاوے اوسپر اور
جو کوئی کہ پڑھے اسکو پس گویا کہ پڑھا قرآن گیارہ بار اور ہر چیز کے
لیے دل ہے اور قرآن کا دل یٰس ہے روایت کی یہ بیہقی نے
شعب الایمان میں اور روایت کی حاکم اور بیہقی نے ابی جعفر محمد بیٹے
علی یعنی امام زین العابدین رضہ سے کہ کہا جو شخص پاوے اپنے دل میں
سختی یعنی تنگدلی پس چاہیے کہ لکھے یٰس والقرآن الحکیم الخ ایک
پیالے میں ساتھ زعفران کے پھر پی لے اوسکو تمت

محمد روشن خان حنفی
محمد عبدالرحمن

وصہ مہر و دستخط بر خاتمہ
برای تصدیق یعنی کہ این کتاب مطبوع مطبع نظامی
مہر و دستخط مہتمم ثبت نمودہ شد

العبد
عبد ... بن حاجی محمد روشن خان حنفی